

## مدیریت و فرماندهی اکبر هاشمی رفسنجانی در جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه ایران

هادی قیصریان فرد<sup>\*۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۱/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۴/۱۳

**چکیده:** یکی از مهم‌ترین تدابیر دفاعی و امنیتی در جنگ تحمیلی، تصمیم‌گیری راهبردی بود که تأثیر بسیاری بر انقلاب اسلامی داشت. پژوهش حاضر باهدف بررسی تصمیمات راهبردی فرماندهان عالی دوره جنگ تحمیلی، سعی دارد تا دوران فرماندهی هاشمی رفسنجانی را در جنگ رژیم بعث عراق علیه ایران مورد ارزیابی قرار دهد. در پژوهش حاضر، به این پرسش پاسخ داده می‌شود که چرا هاشمی رفسنجانی در دو مقطع از سال‌های ۱۳۶۲ و ۱۳۶۷ هجری شمسی به فرماندهی جنگ منصوب شد؟ فرضیه پژوهش برحل اختلاف موجود میان سپاه و ارتش برای ادامه جنگ و خاتمه‌دادن به جنگ از مسیر دیپلماسی، تأکید دارد. روش تحقیق این پژوهش توصیفی-تحلیلی و شیوه جمع‌آوری داده‌ها به صورت میدانی و اسنادی است.

**واژگان اصلی:** جنگ تحمیلی، هاشمی رفسنجانی، فرماندهی، راهبردی، صلح، قطعنامه ۵۹۸.

۱. \* دانشجوی دکتری تاریخ انقلاب اسلامی پژوهشکده امام خمینی رحمت‌الله‌علیه و انقلاب اسلامی، نویسنده مسئول

(h.gheisarian@yahoo.com).

## مقدمه

یکی از عوامل تعیین‌کننده مدت زمان جنگ، راهبردهایی است که از سوی مسئولان سیاسی و نظامی کشورهای درگیر اتخاذ می‌شود. بی‌تردید، دفاع مقدس و تصمیم‌های اتخاذ شده در این دوره، تأثیر شگرفی بر انقلاب اسلامی و همچنین، پایان جنگ تحمیلی داشته است؛ از این رو، مطالعه و بررسی علمی شیوه‌های مدیریت و رهبری فرماندهان عالی دفاع مقدس امری ضروری به‌نظر می‌رسد. یکی از رهبران این دوره، اکبر هاشمی‌رفسنجانی است که نقش مهمی در تصمیم‌های راهبردی برعهده داشته است.

هاشمی‌رفسنجانی با آغاز تهاجم رژیم بعث عراق علیه ایران، بلافاصله در ستاد ارتش حاضر شد و در جلسات بررسی مواجهه با این بحران غیرمنتظره شرکت نمود. وی با تشکیل شورای عالی دفاع، از سوی حضرت امام رحمت‌الله‌علیه به‌عنوان یکی از نمایندگان شورا برگزیده شد. این عامل باعث شد تا ایشان با مسائل گوناگون جنگ درگیر شده و مشکلات جبهه‌ها را بهتر درک کند؛ اما، نقش حائز اهمیت هاشمی‌رفسنجانی، پس از فتح خرمشهر در ۳ خرداد ۱۳۶۱ هجری شمسی، جلوه پررنگ‌تری یافت.

به‌دنبال موفقیت در عملیات بیت‌المقدس و آزادسازی خرمشهر، نیروهای نظامی رژیم بعث عراق مجبور به عقب‌نشینی شدند. این عقب‌نشینی تغییری در رویکرد فرماندهان عالی رژیم بعث عراق ایجاد نکرد؛ زیرا، آنان سعی داشتند تا تنها با آتش‌بس، جنگ را متوقف کنند و مانع از پیروزی‌های متعدد رزمندگان ایرانی شوند. این تصمیم، زمینه را برای ایجاد تغییرات در راهبردها و سطوح راهبردی از سوی فرماندهان ایرانی فراهم نمود. در ادامه تصمیم راهبردی تداوم جنگ، پس از عملیات‌های رمضان و والفجر، به‌تدریج اختلاف نظرهایی در سطح فرماندهان نظامی ارتش و سپاه برای چگونگی اجرای عملیات‌ها ظاهر شد. این عامل باعث شد، امام خمینی رحمت‌الله‌علیه با انتخاب هاشمی‌رفسنجانی به‌عنوان هماهنگ‌کننده نیروهای مسلح، ظرفیت‌های سپاه و ارتش را علیه قوای رژیم بعث افزایش دهد. براین‌اساس، حضرت امام رحمت‌الله‌علیه در تاریخ ۳۰ بهمن ۱۳۶۲ هجری شمسی، هاشمی‌رفسنجانی را به فرماندهی عملیات‌های والفجر منصوب نمود. هاشمی‌رفسنجانی با توجه به وقایع عملیات‌های نظامی و شناختی که از قابلیت‌های نیروهای خودی و رژیم بعث عراق داشت، نظریه «جنگ جنگ تا پیروزی» را مطرح کرد. وی با طرح این نظریه، فکر تصرف مناطق استراتژیک عراق را در سر می‌پروراند تا بتوان جنگ تحمیلی

را از طریق «مذاکره سیاسی» و از موضع برتر به پایان رساند؛ اما، این راهکار برای خاتمه جنگ هیچ‌گاه محقق نشد و ایران خواسته و یا ناخواسته وارد جنگ طولانی شد که هشت سال ادامه یافت. در مقطع دوم، هاشمی رفسنجانی در ۱۲ خرداد ۱۳۶۷ هجری شمسی به جانشینی فرمانده کل قوا از سوی امام رحمت‌الله‌علیه منصوب شد. در این دوره، وی نقش مهمی در تصمیمات راهبردی همانند پایان‌دادن به جنگ برعهده داشت.

پژوهش حاضر برای رفع برخی از ابهامات در حوزه فرماندهی جنگ انجام می‌شود. نتایج چنین پژوهش‌هایی، الگوی مناسبی برای مدیریت راهبردی و فرماندهی در زمان وقوع بحران‌های سیاسی و نظامی به‌شمار می‌آید؛ بنابراین، در این مقاله سعی می‌شود تا افزون بر مطالعه تأثیرگذاری فرماندهی هاشمی رفسنجانی در دوره جنگ تحمیلی، به این پرسش پاسخ داده شود؛ دلایل انتصاب هاشمی رفسنجانی از سوی امام خمینی رحمت‌الله‌علیه در دو مقطع جنگ، با دو سبب متفاوت (ادامه‌دهنده عملیات‌های والفجر در بهمن ۱۳۶۲ هجری شمسی و دیگری جانشینی فرمانده کل قوا در خرداد ۱۳۶۷ هجری شمسی) چه بوده است؟ باتوجه به محتوای احکام صادرشده می‌توان ادعا داشت که ایجاد وحدت میان ارتش و سپاه و درنهایت، حفظ نظام انقلابی نوپا، از دلایل اصلی انتصاب هاشمی رفسنجانی است. روش تحقیق این پژوهش توصیفی-تحلیلی و شیوه گردآوری داده‌ها، براساس منابع اسنادی، کتابخانه‌ای و مصاحبه است. همچنین، مقطع زمانی پژوهش سال‌های ۱۳۶۷-۱۳۵۹ هجری شمسی و قلمرو مکانی سرزمین‌های ایران و عراق با موضوعیت فرماندهی در جنگ تحمیلی است.

#### مبانی نظری و پیشینه تحقیق

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، رژیم بعث عراق اقدامات متعددی برای آماده‌سازی جنگی تمام‌عیار علیه ایران انجام داد. یکی از مهم‌ترین این اقدامات «تحركات مرزی» بود که به صورت مستقیم و غیرمستقیم در قالب عملیات‌های منظم و نامنظم انجام گرفت. نوع و شدت هریک از این عملیات‌ها به موقعیت مناطق و اهداف نظامی بستگی داشت. از رایج‌ترین اقدامات نظامی رژیم بعث عراق در این دوره، حمله به پاسگاه‌های مرزی، اجرای آتش توپخانه، آموزش و سازماندهی نیروهای ضدانقلاب، مین‌گذاری در جاده‌ها، بمب‌گذاری در معابر عمومی و مراکز اقتصادی، کمین و حمله به ستون‌های نظامی و مراکز حساس، مانورهای نظامی گسترده در مرز، تجهیز پاسگاه‌های مرزی به یگان‌های زرهی و مکانیزه، انتقال عمده یگان‌های ارتش رژیم بعث

عراق در نوار مرز و احداث مراکز نظامی و جاده‌ای در مرز است.

تحركات رژيم بعث عراق از ابتدای سال ۱۳۵۸ هجری شمسی شروع شد. امام خمینی رحمت‌الله‌علیه در اعتراض به اقدامات مرزی عراق در ۲۴ خرداد همان سال فرمودند: «انتظار نبود و نیست که مأمورین دولت رژيم بعث عراق در سرحدات، رفتاری کنند که مخالف حسن هم‌جواری است» (صحیفه امام، ۱۳۷۸: ۱۵۰). می‌توان تهاجم‌های مرزی ارتش رژيم بعث عراق را نوعی «شناسایی با رزم» تلقی کرد که هدف اصلی آن ایجاد ناامنی، آمادگی نیروهای نظامی رژيم بعث و تحریک ایران به جنگ بود. در جدول شماره ۱، فهرست تحركات مرزی رژيم بعث عراق علیه ایران ذکر شده است.

جدول شماره ۱: تحركات مرزی رژيم بعث عراق پیش از آغاز تهاجم رسمی علیه ایران

ردیف	تحركات مرزی رژيم بعث عراق در مرز ایران	تاریخ حمله	منبع
۱	حمله توپخانه‌ای به دهکده مرزی ایران	۱۳۵۸/۰۱/۱۲	روزنامه کیهان
۲	پرواز شناسایی بر فراز خوزستان	۱۳۵۸/۰۱/۱۷	کیهان
۳	درگیری در منطقه میله مرزی خرمشهر	۱۳۵۸/۰۳/۱۸	کیهان
۴	پرواز شناسایی در آسمان اروند	۱۳۵۸/۰۳/۲۰	کیهان
۵	حمله به پاسگاه مرزی طلائیه	۱۳۵۸/۰۳/۲۷	کیهان
۶	تجاوز هوایی به آسمان شوش	۱۳۵۸/۰۴/۲۷	کیهان
۷	تجاوز هوایی به مناطق مرزی فکه و بستان	۱۳۵۸/۰۴/۲۹	کیهان
۸	تجاوز هوایی به آسمان سوسنگرد	۱۳۵۸/۰۵/۰۵	کیهان
۹	تجاوز به منطقه کوشک	۱۳۵۸/۰۵/۲۵	کیهان
۱۰	بمباران شهرهای آبادان و خرمشهر	۱۳۵۸/۰۷/۰۴	کیهان
۱۱	حمله به اهالی جزیره مینو	۱۳۵۸/۰۸/۰۶	کیهان
۱۲	اشغال کنسولگری ایران در بصره	۱۳۵۸/۰۸/۱۵	کیهان
۱۳	شلیک آرپی جی ۷ به روستای قصبه آبادان	۱۳۵۸/۰۸/۱۶	کیهان
۱۴	حمله به پاسگاه تيله کوه مرز قصرشیرین	۱۳۵۸/۰۸/۲۱	سند ۳۴۷۳۳
۱۵	تیراندازی به ناوچه ایرانی در اروندرود	۱۳۵۸/۰۸/۲۳	کیهان
۱۶	حمله به پاسگاه مرزی مؤمنی خرمشهر	۱۳۵۸/۰۹/۱۳	سند ۰۳۳۷۴۶

ادامه جدول شماره ۱: تحرکات مرزی رژیم بعث عراق پیش از آغاز تهاجم رسمی علیه ایران

کیهان	۱۳۵۸/۰۹/۲۱	تجاوز به دشت آزادگان	۱۷
کیهان	۱۳۵۸/۰۹/۲۲	تجاوز هوایی به شوش، بستان و فکه	۱۸
کیهان	۱۳۵۸/۱۰/۱۰	تجاوز هوایی به سوسنگرد و فکه	۱۹
کیهان	۱۳۵۸/۱۱/۰۹	حمله به جزیره مینو	۲۰
_____	۱۳۵۸/۱۲/۰۱	تجاوز به حریم هوایی خرمشهر	۲۱
سند ۴۹۰۲۰	۱۳۵۸/۱۲/۱۱	حمله به پاسگاه مرزی سومار	۲۲
سند ۰۱۴۶	۱۳۵۸/۱۲/۱۳	حمله به پاسگاه‌های مرزی کرمانشاه	۲۳
کیهان	۱۳۵۸/۱۲/۳۰	حمله به پاسگاه طلائییه	۲۴
کیهان	۱۳۵۹/۰۱/۰۶	توقیف یک قایق ایران در جزیره مینو	۲۵
کیهان	۱۳۵۹/۰۱/۱۰	درگیری در هورالعظیم	۲۶
جمهوری اسلامی	۱۳۵۹/۰۱/۲۴	حمله به پاسگاه‌های مرزی سعیدیه و چزابه	۲۷
کیهان	۱۳۵۹/۰۲/۰۵	نخستین حمله ارتش عراق به تجهیزات نفتی ایران در دهلران	۲۸
جمهوری اسلامی	۱۳۵۹/۰۲/۰۸	حمله به منطقه بستان	۲۹
کیهان	۱۳۵۹/۰۲/۱۱	حمله به جنوب آبادان	۳۰
کیهان	۱۳۵۹/۰۲/۲۰	حمله به پاسگاه ژاندارمری بستان	۳۱
کیهان	۵۹/۰۲/۲۸	حمله به جزیره مینو	۳۲
کیهان	۱۳۵۹/۰۳/۰۱	حمله به پاسگاه خسروآباد و حیدرآباد	۳۳
سند ۳۴۰۸۰	۱۳۵۹/۰۳/۱۸	حمله به پاسگاه مرزی مهران	۳۴
سند ۴۰۱۹۶	۱۳۵۹/۰۳/۱۹	بمباران نقاطی از قصرشیرین	۳۵
سند ۴۰۲۹۶	۱۳۵۹/۰۳/۲۳	حمله به شهر پاوه	۳۶
سند ۳۴۱۶۱	۱۳۵۹/۰۴/۰۹	تجاوز به پاسگاه‌های مرزی کرمانشاه	۳۷
سند ۴۰۶۵۷	۱۳۵۹/۰۴/۱۸	تجاوز به منطقه پرویز قصرشیرین	۳۸
کیهان	۱۳۵۹/۰۴/۲۴	حمله به پاسگاه مؤمنی	۳۹
سند ۰۵۶۳۵۱	۱۳۵۹/۰۵/۰۱	حمله به پاسگاه طلائییه	۴۰
کیهان	۱۳۵۹/۰۵/۰۶	حمله به پاسگاه سوبله از توابع سوسنگرد	۴۱

ادامه جدول شماره ۱: تحرکات مرزی رژیم بعث عراق پیش از آغاز تهاجم رسمی علیه ایران

کیهان	۱۳۵۹/۰۵/۱۳	تجاوز به منطقه خسروآباد	۴۲
سند ۲۸۳۰۸۸	۱۳۵۹/۰۵/۱۹	حمله به پاسگاه تنگاب قصرشیرین	۴۳
کیهان	۱۳۵۹/۰۵/۲۶	تجاوز به آسمان آبادان و خرمشهر	۴۴
کیهان	۱۳۵۹/۰۶/۱	حمله به پاسگاه دریایی خرما	۴۵
کیهان	۱۳۵۹/۰۶/۱۴	حمله به پاسگاه‌های مرزی مهران، دهلران و نفت‌شهر	۴۶
کیهان	۱۳۵۹/۰۶/۱۶	تصرف ارتفاعات میمک، خان‌لیلی و زین‌الکش	۴۷
کیهان	۱۳۵۹/۰۶/۱۷	بمباران قصرشیرین	۴۸
کیهان	۱۳۵۹/۰۶/۲۰	حمله تانک‌های رژیم بعث عراقی از کوه‌های آق داغ	۴۹
کیهان	۱۳۵۹/۰۶/۲۱	حمله به مناطق مرزی جنوب و غرب ایران	۵۰
کیهان	۱۳۵۹/۰۶/۲۲	بمباران خان‌لیلی و چگر در ایلام	۵۱
سند ۳۴۴۷۶	۱۳۵۹/۰۶/۲۴	حمله به نفت‌شهر و سرپل ذهاب	۵۲
کیهان	۱۳۵۹/۰۶/۳۰	درگیری ناوچه‌های ایرانی و عراقی در اروند و خور موسی	۵۳
_____	۱۳۵۹/۰۶/۳۱	آغاز تهاجم رسمی رژیم بعث عراق علیه ایران	۵۴

تاکنون پژوهش‌های متعددی در ارتباط با مسئله اصلی این مقاله به‌انجام رسیده است. کتاب «جنگ به روایت فرمانده» مجموعه‌ای از درس‌گفتارهای محسن رضایی میرقائد است که در دوره‌های آموزشی ۱۳۸۳ و ۱۳۸۶ هجری شمسی در قالب ده فصل تنظیم شده است. در پیشگفتار این کتاب آمده است که تاریخ دفاع مقدس را می‌توان به روش‌های گوناگونی همانند فرمانده محور، رویکرد محور و موضوع محور بررسی کرد و کتاب حاضر ترکیبی از این روش‌ها است. همچنین، این کتاب به توصیف فرماندهی محسن رضایی در دوره جنگ پرداخته شده است. درودیان (۱۳۹۱) در اثر خود با عنوان «سیری در جنگ ایران و عراق»، زمینه‌های تداوم جنگ را موردبررسی قرار داده است. همچنین، این نویسنده (۱۳۹۴) در کتاب دیگری با عنوان

«تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق؛ پیش‌درآمدی بر یک نظریه» به تاریخ‌نگاری جنگ پرداخته است.

در کتاب «تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق» به قلم اردستانی (۱۳۷۹)، تحولات سیاسی و نظامی ایران از تابستان ۱۳۶۱ تا فروردین ۱۳۶۷ هجری شمسی مورد بررسی قرار گرفته است. تأکید این کتاب، بیشتر بر ابعاد نظامی جنگ و پیامدهای آن متمرکز شده است. کتاب «تاریخ تحلیلی جنگ ایران و عراق» تألیف علایی (۱۳۹۵) است که وی از فرماندهان سپاه در دوران جنگ بود. در این کتاب، راهبردهای نظامی دو کشور در دوران جنگ، مواضع برخی از کشورها، رفتارهای دیپلماسی و نظامی حامیان رژیم بعث عراق شرح داده شده است. کتاب «جنگ ایران-عراق: اولین جنگ خلیج (۱۹۸۸-۱۹۹۰)» اثر رزوا<sup>۱</sup> (۲۰۱۵)، براساس آرشیوهای نظامی و مصاحبه‌های شفاهی با فرماندهان نظامی رژیم بعث عراق به‌رشته‌تحریر درآمده است. وی در این کتاب به بررسی این سؤال می‌پردازد که چرا صدام این جنگ پرهزینه و بی‌نتیجه را آغاز کرد؟

### غافلگیری ایران از آغاز جنگ تحمیلی

عملکرد نظامی ایران پیش از شروع جنگ نشان می‌دهد که مقامات ایرانی نه تنها آمادگی لازم برای جنگ نداشتند، بلکه احتمال وقوع آن از سوی رژیم بعث عراق را جدی نمی‌گرفتند. به نظر می‌رسد، امام خمینی رحمت‌الله‌علیه پس از قطع رابطه با آمریکا، احتمال حمله رژیم بعث عراق علیه ایران را پیش‌بینی نموده است؛ زیرا، در سخنرانی ۲۸ فروردین ۱۳۵۹ هجری شمسی می‌فرماید:

«این لشکری که هم‌اکنون سرنیزه، توپ و تانک‌ها کشیده‌اند و با مردم مخالفت می‌کنند، آماده شده‌اند که با ایران اسلامی جنگ کنند؛ اما، بدانند که این جنگ، جنگ با اسلام، قرآن و رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله است. آیا ارتش رژیم بعث عراق حاضر است با رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله و قرآن جنگ کند؟ ایران، مملکت رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله، نهضت اسلامی، مملکت اسلامی و حکومت اسلامی است. چرا عشایر عرب نشسته‌اند تا سربازان رژیم بعث به برادرانشان تعدی کنند و تعداد زیادی از جوانان را در سیاه‌چال‌ها به کشتن دهند؟ فرماندهان رژیم بعث نمی‌دانند که اگر بخواهند به این سرزمین تعدی کنند، فرماندهان ایرانی خردشان می‌کنند و تا بغداد پیش می‌روند. لازم

1. Razoux

است، مسئولان متدین رژیم بعث عراق کودتا کنند و ستمگران را از بین ببرند. پیروی از این شخص لعین، حرام است و باید علیه او قیام کنند» (صحیفه امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۴۶).

در آن زمان، باتوجه به شرایط داخلی، مسئولان ایرانی وقوع جنگ گسترده را پیش‌بینی نمی‌کردند. برای مثال، هاشمی رفسنجانی در مورد آغاز جنگ چنین اذعان داشته است: «طی تماسی اطلاع دادند، فرودگاه مهرآباد تهران بمباران شده است. بلافاصله جمعی از نمایندگان را به آنجا فرستادیم؛ اما، این اقدام برخلاف انتظار ما بود که رژیم بعث به تهران حمله کند» (بشیری، ۱۳۹۳: ۲۲۰). بسیاری از مقامات ایرانی معتقد بودند، فرماندهان رژیم بعث عراق جرأت حمله به ایران را ندارند.

زهدی، از فرماندهان سپاه در دوران دفاع مقدس، چنین می‌گوید: «حدود دو هفته پیش از آغاز جنگ، شورای عالی دفاع با حضور فرمانده کل قوا که در آن هنگام رئیس‌جمهور وقت بود، در ستاد لشکر ۸۱ زرهی کرمانشاه تشکیل شد. در این جلسه، رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر، وزیر دفاع، فرمانده سپاه، جانشین رئیس ستاد مشترک ارتش، فرمانده نیروی زمینی ارتش و فرمانده سپاه غرب کشور حضور داشتند. در این جلسه، شهید محمد بروجردی اعلام کرد که رژیم بعث عراق قصد حمله دارد. گزارش‌ها حاکی از آن بود که لشکر زرهی مکانیزه ارتش رژیم بعث در مناطق مرزی قصرشیرین آرایش جنگی گرفته است. رئیس‌جمهور در این جلسه معتقد بود، برای آغاز جنگ باید موازنه قوا میان شوروی و آمریکا از بین رود و تا این موازنه قوا از بین نرود، جنگی آغاز نمی‌شود. مسئولان ایرانی، با اطلاع از اقدامات نظامی رژیم بعث عراق، در سطح تاکتیکی غافلگیر نشدند؛ اما، فاقد برآورد راهبردی بودند و هرگز به نتیجه نرسیدند که آیا این تحرکات منجر به جنگ می‌شود؟ و اگر جنگ شود، دامنه آن تا چه میزان خواهد بود؟ این مسائل در شورای عالی دفاع جمع‌بندی نشد و فرماندهان ایرانی در سطح راهبردی غافلگیر شدند» (زهدی، ۱۳۹۶/۰۶/۲۶).

#### دوران فرماندهی ابوالحسن بنی‌صدر

در نخستین مقطع از پیروزی انقلاب اسلامی، حضرت امام رحمت‌الله‌علیه مسئولیت فرماندهی کل قوا را برعهده داشت و نیروهای مسلح (ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه)، تحت امر ایشان بود؛ اما، با آغاز ریاست جمهوری بنی‌صدر در ۵ بهمن ۱۳۵۸ هجری شمسی، اختیارات فرماندهی کل قوا توسط امام رحمت‌الله‌علیه به او تفویض می‌شود. در ارتباط با تفویض فرماندهی کل قوا به بنی‌صدر،



تحلیل‌های گوناگونی وجود دارد. در هر صورت، امام رحمت‌الله‌علیه به مسئولان کشور اختیاراتی می‌دادند تا به راحتی به وظایفشان عمل کنند. بنی‌صدر به عنوان رئیس‌جمهور در یکم اسفند ۱۳۵۸ هجری شمسی، درخواست افزایش اختیارات می‌کند و حضرت امام رحمت‌الله‌علیه در حکمی، او را به فرماندهی کل قوا منصوب می‌نماید.

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای بنی‌صدر، رئیس‌جمهور ایران

در این مرحله حساس که احتیاج به تمرکز قوا بیشتر از هر برهه دیگر احساس می‌شود، جناب‌عالی به نمایندگی این‌جانب به سیمت فرماندهی کل نیروهای مسلح، به‌ترتیبی که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تعیین کرده است، منصوب می‌شوید. امید است با شایستگی جناب‌عالی، امور کشوری و لشکری به‌طور شایسته و با موازین اسلامی جریان پیدا کند. از خداوند تعالی توفیق همگان را در خدمت به ملت اسلامی خواستارم.

روح‌الله الموسوی الخمينی (صحیفه امام، ۱۳۷۸: ۱۵۷)

احمد غلام‌پور از فرماندهان سپاه پاسداران در دوران دفاع مقدس در خصوص حکم فرماندهی بنی‌صدر چنین توضیح می‌دهد: «فضای سیاسی کشور در آن مقطع، ایجاب می‌کرد که تفویض اختیار انجام شود و امام رحمت‌الله‌علیه در برابر بنی‌صدر قرار نگیرد. ایشان معتقد بودند، بهتر است به مسئولان اختیار داده شود تا بهانه‌ای نداشته باشند؛ از این‌رو، امام رحمت‌الله‌علیه با دوراندیشی بسیار، فضایی ایجاد نمود تا بنی‌صدر دیگر بهانه‌ای نداشته باشد» (غلام‌پور، ۹۶/۱۲/۲۴).

نصرت‌الله معین‌وزیری از فرماندهان ارتش در دوره جنگ نظر دیگری دارد. وی معتقد است: «این نکاتی که در مورد بنی‌صدر گفته می‌شود، در مورد بازرگان هم گفته می‌شد. این ادعا که امام رحمت‌الله‌علیه می‌خواست به آن‌ها میدان دهد تا مردم آن‌ها را بشناسند، اشتباه است؛ زیرا، ایشان فرد قاطعی بودند و از انجام چنین اعمالی ابا داشتند» (معین‌وزیری، ۹۶/۱۲/۲۴).

به نظر می‌رسد که انتصاب بنی‌صدر به فرماندهی کل قوا از سوی حضرت امام رحمت‌الله‌علیه نوعی تدبیر بوده و هدف شناساندن بنی‌صدر به مردم نبوده است. بنی‌صدر، پیش از دریافت این حکم، با یازده میلیون رأی به ریاست جمهوری ایران انتخاب شد. اگر امام رحمت‌الله‌علیه می‌دانست که ایشان وابسته به حزب و گروهی است، از ابتدا مانع ورود وی به صحنه سیاست می‌شد.

بنی صدر تمایل بسیاری داشت تا با پیروزی در جنگ به قهرمان ملی تبدیل شود. یعقوب زهدی معتقد است: «رویکرد امام رحمت‌الله‌علیه، رویکرد هدایت و راهنمایی بود و هرگز به دنبال این نبود که فردی از میان برداشته شود» (زهدی، ۹۶/۱۲/۲۴). در هر صورت، ضعف‌های مدیریتی و آسیب‌هایی که توسط بنی صدر به کشور و ارتش وارد شد، قابل دفاع نیست. از سوی دیگر، در این دوره، افراد خبره و قابل اعتماد کمی وجود داشت؛ به عنوان مثال، پس از تسخیر سفارت آمریکا و استعفای بازرگانان از نخست‌وزیری، رهبر انقلاب رحمت‌الله‌علیه از انتخاب بازرگان به عنوان اشتباه یاد می‌کند و متذکر می‌شود که باید از جوانان انقلابی استفاده بیشتری شود. این سخنرانی از سوی بازرگان چنین پاسخ داده شد: «امام رحمت‌الله‌علیه و بازرگان هیچ‌یک اشتباه نکرده‌اند؛ زیرا، در این شرایط بحرانی، کسی به غیر از بازرگان وجود نداشت و اگر ایشان در آن شرایط این مسئولیت را نمی‌پذیرفت، انقلاب شکست می‌خورد» (توسلی، ۱۳۹۰/۰۶/۲۹).

در دوره فرماندهی بنی صدر دو تصور برای جنگ وجود داشت. تفکر بنی صدر و همراهان او که معتقد بودند، باید با عقب‌نشینی در جبهه‌ها، بخشی از خاک کشور را واگذار نمود تا زمان به دست آورد. سپس، با شکستن سد دز و رهاکردن آب، دشمن را شکست داد. در مقابل، افرادی همانند خامنه‌ای و چمران ضمن مخالفت با دیدگاه بنی صدر، معتقد بودند، اگرچه سلاح و تجهیزات کافی وجود ندارد، بایستی عملیات متقابل انجام داد (قربانی، ۹۲/۱۰/۲۳).

بنی صدر می‌خواست با استفاده از جنگ، به قهرمان ملی تبدیل شود و رقبای خود را از میدان خارج کند؛ از این رو، مانع از کاربرد تمام توان نظامی می‌شد و مخالف حضور سپاه و پاسدارها در جبهه بود. زهدی در این خصوص توضیح می‌دهد: «بنی صدر به دلیل طرز تفکرش با حضور سپاه در جنگ موافق نبود و از ارتش خواسته بود که تجهیزاتی به نیروهای سپاهی ندهد؛ اما، در همین دوره عملیات‌های کوچکی با همکاری سپاه و ارتش انجام شد» (زهدی، ۱۳۹۶/۰۸/۲۵).

به‌طور کلی، دوره فرماندهی بنی صدر دارای چندین ویژگی بود. نخست، بنی صدر هیچ‌گونه ستادی در جنگ نداشت و تنها افرادی در جنگ همراه او بودند. دوم، طرح شکستن سد دز که با مخالفت فرمانده نیروی زمینی ارتش مواجه شد، ناشی از کمبود اطلاعات نظامی بنی صدر بود.

سوم، بآنکه بنی‌صدر فرمانده کل قوا بود، اختیارات چندانی نداشت. چهارم، بنی‌صدر، اعتقادی به تحرک در جبهه‌ها نداشت (غلام‌پور، ۱۳۹۶/۱۲/۲۴).

بنی‌صدر حالتی خستگی در جنگ داشت و ویژگی‌های بالا، در فرماندهی وی صادق است؛ از این رو، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که هیچ‌گناه و اتهامی متوجه او نیست. به‌طور کلی، وی مخالف ورود سپاه و نیروهای مردمی به جنگ بود و این نکته مهمی برای بررسی نقش بنی‌صدر در جنگ است. در دوره فرماندهی وی، حدود ۱۴ عملیات در جنوب و ۷ عملیات در غرب با همکاری سپاه و ارتش انجام شد که به‌غیر از یک عملیات در غرب و چهار عملیات در جنوب، بقیه با پیروزی همراه بود (معین‌وزیری، ۱۳۹۶/۱۲/۲۴).

#### دوران فرماندهی ولی‌الله فلاحی

به‌دنبال تشدید اختلافات بنی‌صدر با دولت رجایی و اکثریت نمایندگان مجلس که از حزب جمهوری اسلامی بودند، امام رحمت‌الله‌علیه طی حکمی کمیته سه‌نفره متشکل از محمدرضا مهدوی‌کنی، شهاب‌الدین اشراقی و محمد یزدی جهت کاهش تنش میان طرفین تشکیل داد. رهبر انقلاب از کمیته درخواست کرد تا با بی‌طرفی کامل به‌وظیفه خود و رفع اختلافات عمل نمایند (صحیفه امام، ۱۳۷۸: ۲۴۸). نیاز به توضیح است، پیشنهاد تشکیل کمیته حل اختلاف یا شورای حکمیت از سوی مهندس بازرگان ارائه شد (احمدی، ۱۳۸۳: ۱۳۲)؛ اما، مسئله‌ای که اختلافات را دامن زد، پیشنهاد برگزاری رفراندوم از سوی بنی‌صدر بود.

به‌اعتقاد هاشمی رفسنجانی، این پیشنهاد می‌توانست باعث سرنگونی بنی‌صدر شود. «اگر بر فرض محال طرح رفراندوم انجام می‌شد، بی‌تردید، بنی‌صدر، ریاست جمهوری را از دست می‌داد. ایشان سخت در اشتباه بود» (بشیری، ۱۳۹۳: ۱۱۲). به‌گفته هاشمی رفسنجانی، او فریب مؤسسه سنجش افکاری را خورد که بانی آن اعضای سازمان مجاهدین بودند (همان: ۱۱۳). مجید انصاری معتقد است که «بنی‌صدر، فردی جاه‌طلب و مدعی رهبری بود» (انصاری، ۱۳۹۰/۰۸/۲۳). سرانجام در ۱۱ خرداد ۱۳۶۰ هجری شمسی بنی‌صدر از سوی شورای حکمیت متخلف شناخته شد (بشیری، ۱۳۹۳: ۷۲). به‌دنبال این حکم، امام رحمت‌الله‌علیه در ۲۰ خرداد ۱۳۶۰ هجری شمسی با ارسال دستوری به ستاد مشترک نیروهای مسلح، رئیس‌جمهور را از فرماندهی کل قوا برکنار نمود.

بسم الله الرحمن الرحيم

ستاد مشترک نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، آقای ابوالحسن بنی‌صدر از فرماندهی نیروهای مسلح برکنار شدند.

روح‌الله الموسوی‌الخمينی (صحیفه امام، ۱۳۷۸: ۴۲)

با برکناری بنی‌صدر از فرماندهی کل قوا در ۲۱ خرداد ۱۳۶۰ هجری شمسی، امام خمینی رحمت‌الله‌علیه در حکمی اختیارات فرماندهی کل قوا را تا تعیین جانشین به ولی‌الله فلاحی واگذار نمود (همان: ۴۲). براساس این حکم، فلاحی می‌توانست در تمامی امور و مسائل جنگ دخالت کند و در موضع جنگ به سپاه و ارتش دستور دهد. دوره فرماندهی فلاحی بسیار کوتاه بود؛ با این وجود، وی توانست نیروهای نظامی ارتش و سپاه را با یکدیگر هماهنگ کند و باعث تدارک عملیات موفق ثامن‌الائمه علیه‌السلام شود.

بختیاری در مورد ویژگی‌های شخصیتی و فرماندهی فلاحی چنین توضیح می‌دهد: «در دوره جنگ، فلاحی و من به ترتیب مدیر آموزش و استاد دوره‌های عالی فرماندهی و ستاد (دافوس) بودیم. همچنین، برای اجرای طرح صلح سازمان‌ملل در ویتنام، ایشان و من سمت ریاست و افسر عملیاتی منطقه را برعهده داشتیم. هیچ شخصی همانند فلاحی وجود ندارد که در زمان شهادت سرتیپ، رئیس ستاد ارتش و جانشین فرماندهی کل قوا باشد. ایشان یک هفته پس از پیروزی انقلاب، فرمانده نذاجا شد و شروع به ساماندهی نیروی زمینی کرد و نزدیک به بیست ماه با افرادی همانند احسان طبری، فرخ نگهدار و مسعود رجوی درگیر بود. وی در زمان جنگ سه بار مجروح، مصدوم و درنهایت، شهید شد. آیا تاکنون دیده شده که رئیس ستاد مشترک ارتش به خط مقدم برود و سوار موتور شود، ایشان این کار را می‌کرد. فلاحی معتقد به جنگ مردمی بود و به رئیس‌جمهور نوشت که مردم باید در جنگ حضور داشته باشند. در زمان ایشان طرح ابوذر، البرز نیروی هوایی و ذوالفقار نیروی دریایی تهیه شد. فلاحی در عملیات ثامن‌الائمه علیه‌السلام اعتقاد داشت که باید جنگ در جبهه‌های میانی و نه در جنوب، اولویت باشد؛ زیرا، اگر بتوانیم بستان را بگیریم، مایه مباهات و سربلندی است؛ اما، برخلاف نظر ایشان، ظهیرنژاد معتقد به جنگ در جبهه شمالی بود» (بختیاری، ۱۳۹۴/۰۲/۱۶).

### دوران فرماندهی مشترک صیاد شیرازی و محسن رضایی

پس از شهادت فلاحی، تغییراتی حاصل شد و تقسیم فرماندهی انجام گرفت. در این دوره، محسن رضایی به فرماندهی سپاه، صیاد شیرازی به فرماندهی نزاوا و ظهیرنژاد به ریاست ستاد مشترک منصوب شدند. از ویژگی‌های مهم این دوره که از آن با عنوان دوران طلایی جنگ یاد می‌شود، سازگاری منظم و پذیرش مسئولیت مشترک اداره جنگ در سطح راهبردی است. مفید، از فرماندهان دوران دفاع مقدس، معتقد است در این دوره، ویژگی‌های مهمی برای نخستین مرتبه شکل گرفت. ایجاد هماهنگی میان سپاه و ارتش، تشکیل قرارگاه مشترک کربلا (متشکل از عناصر سپاه و ارتش)، حضور دو فرمانده در خط مقدم به شکل تاکتیکی، اتخاذ راهبرد بیرون راندن دشمن، حضور مستمر قوای نیروی هوایی در قرارگاه، قرارگاه کربلا در حکم مشاور فرماندهی کل قوا، رهبری قرارگاه کربلا در سطح راهبردی و طرح‌ریزی مشترک در سطح راهبردی از مهم‌ترین ویژگی‌های دوره فرماندهی مشترک است (مفید، ۱۳۹۴/۰۲/۱۶).

یکی از اقدامات مهمی که در قرارگاه کربلا انجام می‌گرفت، طراحی عملیات‌های جنگی بود که در نهایت، راه را برای تصمیم‌گیرنده اصلی جنگ یعنی امام رحمت‌الله‌علیه، هموار می‌نمود (پیری، ۱۳۹۴/۰۲/۱۶)؛ اما، با وجود رهبر انقلاب، صیاد شیرازی و محسن رضایی در صحنه نبرد و شیوه اجرای عملیات‌های نظامی تصمیم‌گیرنده بودند. در این دوره، که مقارن با فتح خرمشهر بود، راهبرد ایران با هدف تنبیه متجاوز به تهاجمی تغییر یافت؛ اما، موفقیتی حاصل نشد.

برخی اعتقاد دارند، دلیل ناکامی نیروهای نظامی ایران در راهبرد تهاجمی، عدم تقویت هماهنگی میان سپاه و ارتش بود (مفید، ۱۳۹۴/۰۲/۱۶). دوران همکاری مشترک این دو فرمانده که از تاریخ ۷ مهر ۱۳۶۰ هجری شمسی آغاز شده بود، در عملیات خیبر به پایان رسید. دلایل اختلاف میان سپاه و ارتش در این دوره، به دو سطح فرماندهی و تخصص نیروها تقسیم می‌شد. در سطح فرماندهی، ارتش وحدت فرماندهی را مطرح می‌کرد؛ اما، فرماندهان سپاه معتقد بودند همکاری با دو فرمانده امکان‌پذیر نیست. اختلاف دیگر، تخصص نیروها و چارچوب فکری منحصربه‌فرد ارتش و سپاه بود. به عنوان مثال، سپاه بر نیروی پیاده، غافلگیری و جنگ در شب و ارتش بر نیروی توپخانه، نیروی زرهی و جنگ در روز تأکید داشت. از اختلافات دیگر، تأکید سپاه بر نیروی انسانی و تأکید ارتش بر تجهیزات بود. فرماندهان ارتش در جنگ از سبک کلاسیک پیروی می‌کردند و معتقد بودند، اگر استعداد و توان جنگ کمتر از ۴۰ درصد باشد، نباید عملیات

انجام شود؛ اما، فرماندهان سپاه معتقد بودند، با توان کمتر از ۴۰ درصد هم می‌توان عملیات انجام داد (غلام‌پور، ۱۳۹۶/۱۲/۲۴). به همین دلیل، براساس مصوبه شورای عالی دفاع، ارتش و سپاه عملیات‌های خیبر و بدر را به صورت جداگانه طرح‌ریزی و اجرا کردند (رضایی، ۱۳۹۰: ۱۴۵).

#### آغاز دوران فرماندهی هاشمی رفسنجانی

دوران فرماندهی هاشمی رفسنجانی در دو مقطع قابل بررسی است. نخست، ایشان به فرماندهی ادامه عملیات‌های والفجر در تاریخ ۲۸ بهمن ۱۳۶۲ هجری شمسی و سپس، در سال ۱۳۶۷ هجری شمسی به جانشینی فرمانده کل قوا منصوب شدند. پیش از بررسی، این پرسش مطرح است، از زمان عزل بنی صدر تا ۳۰ بهمن ۱۳۶۲ هجری شمسی (فرماندهی هاشمی رفسنجانی)، چه کسی عهده‌دار مسئولیت اصلی جنگ است؟

زهدی در پاسخ به این پرسش چنین توضیح می‌دهد: «در مقطعی که بنی صدر عزل شد، امام رحمت‌الله‌علیه مسئولیت جنگ را به دست گرفتند و باعث جهش بزرگی در قوای نظامی شدند. آن زمان، من به همراه صیاد شیرازی، زیر نظر مستقیم ایشان به برخی از امور رسیدگی می‌کردیم. پس از ناکامی در عملیات رمضان یقین یافتیم که دیگر نمی‌توان کاری انجام داد؛ بنابراین، خدمت امام رحمت‌الله‌علیه رفتیم و پیشنهاد دادیم برای پیش بردن امور جنگ، آقای خامنه‌ای تمشیت سپاه و ارتش را در شورای عالی دفاع به دست گیرند» (زهدی، ۱۳۹۶/۰۸/۰۵).

به نظر می‌آید، شورای عالی دفاع به ریاست آقای خامنه‌ای، نقش بسیار مهمی در این مقطع از جنگ داشت. پس از عزل بنی صدر، جلسات شورای عالی دفاع توسط آقای خامنه‌ای اداره می‌شد. نکته مهم در این دوره، تشکیل مجمع عقلا<sup>۱</sup>، همزمان با ریاست آقای خامنه‌ای بر شورای عالی دفاع است. به گفته مفید «تصمیم‌های مجمع عقلا، باعث شکایت محسن رضایی به امام رحمت‌الله‌علیه و در نهایت، تعطیلی این مجمع شد» (مفید، ۱۳۹۴/۰۲/۱۶).

۱. مجمع عقلا، نام گروهی از نمایندگان مردم در مجلس دوم شورای اسلامی بود که به ابتکار افرادی همانند حسن روحانی، مهدی کروبی، محمدی کرمانی و بیات زنجانی برای اتمام جنگ تشکیل شد. محسن رضایی، فرمانده سابق سپاه، در ارتباط با این شورا گفته است: «این مجمع سعی داشت تا با بررسی شرایط وقت و جبهه‌های جنگ نشان دهد که ادامه جنگ به صلاح کشور نیست و باید اقداماتی برای اتمام آن انجام شود».

مقطع اول: فرماندهی ادامه‌دهنده عملیات‌های والفجر

حضرت امام رحمت‌الله‌علیه در ۳۰ بهمن ۱۳۶۲ هجری شمسی، هاشمی رفسنجانی را به فرماندهی ادامه عملیات‌های والفجر منصوب نمود. این حکم پس از انجام عملیات‌های والفجر مقدماتی، ۱، ۲، ۳ و ۴ صادر شد.

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجت‌الاسلام آقای هاشمی رفسنجانی ایده‌الله‌تعالی

جناب‌عالی را به فرماندهی دنباله عملیات والفجر منصوب می‌کنم. توفیق و پیروزی قوای اسلام را بر کفر از خداوند تعالی خواستارم.

روح‌الله الموسوی الخمينی (صحیفه امام، ۱۳۷۸: ۳۵۵)

از آنجایی که هاشمی رفسنجانی شخصیتی روحانی و سیاسی بودند، این سؤال مطرح است که چرا ایشان به فرماندهی ادامه عملیات‌های والفجر منصوب شدند؟ آیا اختلاف میان سپاه و ارتش باعث انتخاب هاشمی رفسنجانی به فرماندهی عملیات‌ها شد؟ و یا از آنجایی که ایشان در تمامی برهه‌های خاص حضور داشتند، به‌چنین سِمَتی منصوب شدند؟

مفید چنین توضیح می‌دهد: «یکی از رسالت‌های هاشمی رفسنجانی در این دوره، ایجاد وحدت و حل اختلاف فرماندهان سپاه و ارتش بود» (مفید، ۱۶/۰۲/۱۳۹۴). موضوع مهم دیگری پشتیبانی دولت از جبهه‌ها بود که یکی از دغدغه‌های مهم فرماندهان قبلی به‌شمار می‌آمد و حضرت امام رحمت‌الله‌علیه با مطلع شدن از این مشکل، به‌قصد هماهنگی بیشتر در جبهه‌ها این حکم را صادر نمود. غلام‌پور معتقد است: «انتخاب هاشمی رفسنجانی به این سِمَت، دو دلیل راهبردی دارد. نخست، حل اختلاف میان سپاه و ارتش و دوم، به‌کارگیری توانمندی او برای بسیج امکانات دولتی است» (غلام‌پور، ۲۴/۱۲/۱۳۹۶).

البته، درخصوص انتصاب هاشمی رفسنجانی به فرماندهی در سال ۱۳۶۲ هجری شمسی، نکته مهم دیگری وجود دارد و آن تغییر در ماهیت جنگ پس از فتح خرمشهر است. صدام با تغییر رفتار و عقب‌نشینی از مناطق مرزی، سعی داشت ایران را در بن‌بست سیاسی قرار دهد و جنگ را به‌صورت مقطعی متوقف کند. توقف در جنگ به سود رژیم بعث عراق و ضرر ایران بود؛ زیرا، رژیم بعث عراق هنوز هم بخش‌هایی از خاک کشور را در تصرف داشت و فرصت

می‌یافت تا به اوضاع داخلی خود رسیدگی نموده و خسارات شکست را جبران نماید. همچنین، توقف جنگ باعث تضعیف روحیه رزمندگان ایران می‌شد و این وضعیت از لحاظ تبلیغاتی به‌ضرر ایران بود. به‌همین دلیل، نیاز بود فردی با بینش سیاسی وارد صحنه شود.

براساس گفته محسن رضایی، راهبرد رسمی ایران پس از فتح خرمشهر، انجام عملیات موفقیت‌آمیز دیگری برای پشتوانه مذاکرات سیاسی بود. البته، بسیاری از فرماندهان و رزمندگان مایل به پیشروی تا بصره و بغداد بودند. همچنین، هدف و شرط مذاکرات سیاسی از طرف امام رحمت‌الله‌علیه، تنبیه صدام و گرفتن غرامت بود (رضایی، ۱۳۹۰: ۴۹).

با بررسی جنگ به‌نظر می‌رسد، اتخاذ راهبرد تهاجمی باهدف ورود به خاک دشمن و تصرف بصره، تصمیمی بود که تنها باعث افزایش مدت جنگ شد. درنهایت، با آمدن هاشمی‌رفسنجانی به‌صحنه جنگ، امیدواری‌هایی برای پایان جنگ شکل گرفت. غلام‌پور اذعان داشته، «با آغاز فرماندهی هاشمی‌رفسنجانی، اگرچه امیدواری‌هایی برای حل مشکلات ایجاد شد؛ اما، انتظار افزایش امکانات پشتیبانی ازسوی فرماندهان محقق نشد و تغییرات قابل توجهی حاصل نشد» (غلام‌پور، ۱۳۹۶/۱۲/۲۴).

مهم‌ترین ویژگی دوره فرماندهی هاشمی‌رفسنجانی نسبت به فرماندهان قبلی، رویکرد سیاسی او بود. مسئله بعدی، نظریه «جنگ جنگ تا پیروزی» است که توسط هاشمی‌رفسنجانی پیشنهاد شد. ایشان که در حکم نخست تنها وظیفه ادامه عملیات‌های والفجر را برعهده داشت، چگونه نظریه‌ای فراتر از حکم امام رحمت‌الله‌علیه ارائه داد؟

در توضیح این سؤال باید قبول کرد که در دوره جنگ، دو رویکرد متفاوت وجود داشته است. اول شعار انقلابی حضرت امام خمینی رحمت‌الله‌علیه بر «جنگ جنگ تا رفع فتنه در کل عالم» که تدبیر راهبردی ایشان بود. درحالی‌که، شعار هاشمی‌رفسنجانی، تنها هدف‌گذاری است و جنبه راهبردی ندارد (مفید، ۱۳۹۴/۰۲/۱۶). هاشمی‌رفسنجانی پس از انجام عملیات والفجر ۸، به‌دنبال پایان جنگ بود؛ اما، نظریه «جنگ جنگ تا پیروزی» را مطرح کرد که اگر می‌توانست به آن جامعه عمل ببوشاند، بد نبود.



مقطع دوم: جانشین فرماندهی کل قوا

هاشمی رفسنجانی در ۱۲ خرداد ۱۳۶۷ هجری شمسی، از سوی حضرت امام خمینی رحمت‌الله‌علیه به جانشین فرمانده کل قوا منصوب شد.

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

جناب حجت‌الاسلام آقای حاج شیخ علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی دامت‌افاضاته

باتوجه به درگیری آمریکای جهان خوار علیه اسلام و ایران، هماهنگی غرب و شرق و ارتجاع منطقه در مبارزه با انقلاب اسلامی و جلوگیری از پیروزی اسلام، به پیشنهاد رئیس‌جمهور محترم، جناب حجت‌الاسلام آقای خامنه‌ای دامت‌افاضاته جناب عالی با تمام اختیارات به جانشینی فرماندهی کل قوا منصوب می‌شوید؛ جناب عالی موظف به اجرای دستورات ذیل هستید:

- ۱- ایجاد ستاد فرماندهی کل و ایجاد زمینه وحدت کامل
  - ۲- هماهنگی کامل ارتش، سپاه، بسیج و نیروهای انتظامی در تمامی زمینه‌های دفاع مقدس
  - ۳- تمرکز صنایع نظامی و تهیه امکانات کاربردی دفاع مقدس
  - ۴- سعی در تقویت توان نیروها
  - ۵- تمرکز امور تبلیغی و فرهنگی نیروهای مسلح در تمام زمینه‌ها
  - ۶- استفاده درست و قاطع از قوانین دادگاه نظامی در زمان جنگ و تنبیه متخلف در هر رده
  - ۷- بهره‌برداری صحیح از کمک‌های مردمی در تمامی زمینه‌ها
- قوای مقننه، اجراییه و قضاییه وظیفه دارند تمامی امکانات و سیاست‌های خود را برای نیازهای جنگ به کارگیرند.
- از مردم عزیز ایران، نیروهای نظامی و انتظامی می‌خواهم تا با صبر و شکیبایی انقلابی، قدرت و استقامت در مقابل توطئه‌های استکبار جهانی ایستادگی نمایند و مطمئن باشند که پیروزی از آن صابران است. جهان امروز غرق در نامردمی‌ها و حیل‌ها است و شما یاران اسلام در اوج قداست و شرافت جای دارید. من برای همه شما دعا می‌کنم، خداوند یار و پشتیبان مبارزان راه خدا باد. توفیق جناب عالی را از خدای تعالی مسئلت دارم.

والسلام علیکم و رحمت‌الله

روح‌الله الموسوی‌الخمنی (صحیفه امام، ۱۳۷۸: ۲۱)

در حکمی که به هاشمی رفسنجانی داده می‌شود، ایجاد ستاد فرماندهی کل و ایجاد وحدت کامل خواسته شده است. در اینجا چند سؤال مطرح می‌شود؛ نخست، در آن مقطع چه تغییراتی در جنگ ایجاد شد که امام رحمت‌الله‌علیه در حکمی، هاشمی رفسنجانی را به وظیفه‌ای مهم‌تر از سیمت سال ۱۳۶۲ هجری شمسی منصوب کرد؟ اگر حکم سال ۱۳۶۲ هجری شمسی کافی بود، ضرورت انتصاب ایشان به سیمتی مهم‌تر در سال ۱۳۶۷ هجری شمسی چیست؟ چرا ستادی که در سال ۱۳۶۷ هجری شمسی برای اداره جنگ تشکیل شد، در سال ۱۳۶۲ هجری شمسی تشکیل نشد؟ آیا جایگاه هاشمی رفسنجانی تغییری کرده بود که سیمت نوینی به ایشان اعطا شد؟ منظور حضرت امام خمینی رحمت‌الله‌علیه از ایجاد زمینه وحدت کامل چه بود؟ آیا منظور وحدت سازمانی میان سپاه و ارتش و یا ادغام این دو با یکدیگر بود؟ برای یافتن پاسخ مناسب، لازم است به چند نکته در دوران مدیریت هاشمی رفسنجانی توجه شود.

موضوع نخست، حکم هاشمی رفسنجانی در سال ۱۳۶۲ هجری شمسی، شباهتی به احکام شهید فلاحی و بنی‌صدر ندارد. حکم ایشان در آن مقطع، فرماندهی و ادامه‌دهنده عملیات‌های والفجر است؛ بنابراین، حکمی نیست که ایشان به‌عنوان فرمانده یا جانشینی فرمانده کل قوا معرفی شوند. یکی از دلایلی که هاشمی رفسنجانی، به مقوله تشکیل ستاد ورود نکرد، عدم وجود حکمی برای تشکیل ستاد بود و تنها وظیفه ادامه عملیات‌های والفجر را برعهده داشت. البته، ایشان در خاطراتش بیان می‌کند، ستاد داشته است و شاید منظورش استفاده از مشاورینی مثل حسن روحانی، سنجقی و ترابی‌پور بوده است (مفید، ۱۳۹۴/۰۳/۰۳). قویدل می‌گوید: «آقای هاشمی از سال ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۷ هجری شمسی، جنگ را بدون ستاد، به‌شیوه‌ای هدایت کرد که با شعار امام رحمت‌الله‌علیه صدام باید برود، هماهنگی نداشت. سرانجام در سال ۱۳۶۷ هجری شمسی به این نتیجه رسیدیم، ستادی پر قدرت باید جنگ را اداره کند» (قویدل، ۱۳۹۴/۰۳/۰۳).

موضوع دوم، درخصوص حکم فرماندهی هاشمی رفسنجانی در سال ۱۳۶۷ هجری شمسی، ایجاد ستاد فرماندهی کل تا ایجاد وحدت کامل بود. به‌گفته غلام‌پور: «منظور از ایجاد زمینه وحدت کامل، برقراری ارتباط و هماهنگی میان سپاه و ارتش بود که هرگز عملی نشد» (غلام‌پور، ۱۳۹۶/۱۲/۲۴). به‌نظر می‌رسد، انتصاب دوم هاشمی رفسنجانی به سیمت جانشین فرماندهی کل قوا در خرداد ۱۳۶۷ هجری شمسی، گامی برای پذیرش قطعنامه ۵۹۸ بود که از عملیات والفجر ۸ و تصرف فاو آغاز شده بود؛ از این رو، باید به این پرسش پاسخ داد، چرا از

تصرف فاو برای کسب منافع ملی و خاتمه جنگ استفاده نشد؟ از طرفی، هاشمی رفسنجانی از زمان پذیرش مسئولیت فرمانده جنگ به دنبال آن بود که جنگ را پایان دهد؛ اما، پس از تصرف فاو توسط نیروهای ایرانی، جنگ پایان نیافت. غلام‌پور می‌گوید: «هاشمی رفسنجانی در عملیات کربلای ۵ در جلسه‌ای به فرماندهان سپاه می‌گوید پیروزی یا شکست در دستان شماست. اگر می‌توانید بجنگید و پیروز شوید. اگر نمی‌توانید به امام رحمت‌الله‌علیه بگویید، دیگر توان ادامه جنگ را ندارید» (غلام‌پور، ۱۳۹۶/۱۲/۲۴).

عبدالحسین مفید در خصوص این پرسش توضیح می‌دهد: «علت این اتفاق، تغییراتی بود که در منطقه و نظام بین‌المللی رخ داده بود. در آن دوره، نظام بین‌المللی حاضر به پذیرش پایان جنگ نبود و به رژیم بعث عراق کمک می‌کرد؛ اما، تصرف فاو در سال ۱۳۶۵ هجری شمسی، به منزله آمادگی رزمندگان ایرانی برای تصرف بصره بود و این اتفاق، اهمیت بسیاری برای نظام بین‌المللی داشت» (مفید، ۹۴/۰۳/۲۴).

از این رو، می‌توان اذعان داشت، پایان جنگ همانند آغاز جنگ براساس اراده ایران نبود و نقش آمریکا در این مرحله قابل مشاهده است. نکته دیگر، مسئولان ایرانی برای پایان جنگ، تصمیم راهبردی نداشتند و تنها نظریه هاشمی رفسنجانی بود که با کسب یک پیروزی قاطع، می‌توان از طریق مذاکرات سیاسی به جنگ پایان داد؛ اما، این نظریه با شعار امام رحمت‌الله‌علیه<sup>۱</sup> همخوانی نداشت. ایشان پس از مدتی حاضر به پذیرش قطعنامه شدند و از آن با عنوان نوشیدن جام زهر یاد کردند. تعبیر نوشیدن جام زهر این سؤال را پیش می‌آورد که آیا پذیرش قطعنامه ۵۹۸، اقدامی تحمیلی بود؟ شاید توان کشور به اندازه‌ای نبود که بشود جنگ را ادامه داد و امام رحمت‌الله‌علیه با اطلاعاتی که داشتند، تصمیم به پذیرش قطعنامه گرفتند. الله‌کرم معتقد است «جریاناتی در تصمیم امام رحمت‌الله‌علیه دخالت داشتند؛ زیرا، برخی از دولتی‌ها تمایل داشتند، نظامی‌ها پیروز میدان نباشند» (الله‌کرم، ۱۳۹۳/۰۹/۰۹).

بهباد نبوی در مصاحبه‌ای اذعان داشت: «بعد از بازپس‌گیری فاو، هاشمی رفسنجانی با هدف درگیری دولت با مسائل جنگ، مهندس موسوی را به ریاست ستاد فرماندهی کل قوا منصوب

۱. جنگ جنگ تا رفع فتنه در کل عالم

کرد. ایشان، چند تن از وزرا را به‌عنوان معاونین ستاد انتخاب کردند و از این طریق، برنامه‌ریزی دولت و جنگ هماهنگ شد؛ اما، درخصوص پذیرش آتش‌بس، ستاد فرماندهی کل قوا و دولت هیچ‌یک اطلاعی نداشتند. با این وجود، دلایل پذیرش آتش‌بس را صحیح می‌دانم و برخلاف برخی‌ها که هاشمی‌رفسنجانی و دولت را متهم به خوراندن جام زهر به امام رحمت‌الله‌علیه می‌نمایند، پذیرش قطعنامه ۵۹۸ را اقدامی صحیح و شجاعانه می‌دانم» (نبوی، ۱۳۹۶/۹/۶).

قویدل درخصوص جنگ و پذیرش قطعنامه، چنین توضیح می‌دهد: «در سال ۱۳۶۶ هجری شمسی، فرماندهان ارتش براساس شرایط موجود، مخالف ادامه جنگ بودند؛ اما، فرماندهان سپاه معتقد بودند، اگر امکانات ارتش را داشته باشیم، می‌توانیم به جنگ ادامه دهیم که البته، امکان انتقال تجهیزات وجود نداشت. از طرفی، هاشمی در سال ۱۳۶۷ هجری شمسی خدمت امام رحمت‌الله‌علیه رسیدند و در مورد تداوم و یا خاتمه جنگ از ایشان نظر خواستند. حضرت امام خمینی رحمت‌الله‌علیه معتقد بودند، جنگ باید ادامه یابد. هاشمی‌رفسنجانی پس از بازگشت به منطقه، عقیده ایشان را به فرماندهان اعلام کردند. مسئولان دولتی و محسن رضایی، فرمانده سپاه، هریک به تفکیک نامه‌ای نوشتند و چگونگی طرح پیشنهادی برای خاتمه جنگ و امکانات موردنیاز را شرح دادند. سپس، هاشمی طرح‌ها را بررسی کرد و به این نتیجه رسید که با وضع فعلی، نمی‌توان قوایی فراهم نمود و پیروزی نظامی به دست آورد. مجموعه عوامل مذکور باعث شد، امام رحمت‌الله‌علیه به این نتیجه برسد که توان فعلی کشور برای ایجاد تحولی بزرگ در جنگ کفایت نمی‌کند و عقیده آقای هاشمی برای خاتمه جنگ اجرایی تر است» (قویدل، ۱۳۹۴/۳/۳).

دوره فرماندهی هاشمی‌رفسنجانی به‌عنوان جانشین فرمانده کل قوا، مقارن با اقدامات مهمی همانند تشکیل ستاد جنگ، گرم نگه‌داشتن جبهه‌ها توسط سپاه و ارتش، اجرای عملیات‌های آفندی در جنوب، تهیه مقدمات پذیرش قطعنامه، پیگیری‌های سیاسی و نظامی، توسعه جنگ از زمین به دریا (جنگ نفت‌کش‌ها)، افزایش سفرهای سیاسی به کشورها، پیشنهاد جانشینی فرمانده جنگ به محسن رضایی و عدم توسعه رزم ناجا است. با وجود موارد مذکور، شاید پذیرش قطعنامه ۵۹۸ مهم‌ترین رویداد دوره فرماندهی هاشمی‌رفسنجانی باشد که البته عوامل بسیاری در پذیرش آن مؤثر بود.

از آنجایی که، اعلام پذیرش قطعنامه ۵۹۸ برای افکار عمومی سنگین بود، امام رحمت‌الله‌علیه تصمیم گرفت با اعلام پذیرش رسمی قطعنامه از سوی مسئولین، حرف آخر در جنگ را بزند. «در مورد قبول قطعنامه که مسئله‌ای تلخ برای همه است تا چند روز پیش به مواضع گذشته‌ام در جنگ اعتقاد داشتم و مصلحت نظام و انقلاب را در اجرای آن می‌دیدم؛ اما، به واسطه عواملی که از ذکر آن خودداری می‌کنم و عقیده تمامی کارشناسان سیاسی و نظامی کشور که به تعهد و دلسوزی آنان اعتماد دارم، با پذیرش قطعنامه و آتش‌بس موافقت کردم. در مقطع کنونی این اقدام به مصلحت انقلاب و نظام است و خدا می‌داند که اگر نبود، هرگز راضی به این عمل نبودم و شهادت برایم گوارتر بود؛ اما، چاره چیست که همه باید به رضایت حق تعالی گردن نهیم» (صحیفه امام، ۱۳۷۸: ۹۲).

### نتیجه‌گیری و پیشنهادات

اکبر هاشمی رفسنجانی از سیاستمدارانی است که نقش مؤثری در تمامی بحران‌های پس از انقلاب اسلامی همانند جنگ تحمیلی ایفا کرد. اگرچه، هاشمی رفسنجانی در اوایل جنگ بیشتر نقش سیاست‌گذاری دارد؛ اما، نقش ایشان پس از فتح خرمشهر و تداوم جنگ نمایان می‌شود. با ناکامی فرماندهان ایرانی در عملیات رمضان و بروز اختلاف میان فرماندهان ارتش و سپاه، هاشمی رفسنجانی برای ایجاد وحدت میان این دو نهاد نظامی به‌صحنه آمد. به‌همین دلیل، ایشان در حکمی از سوی امام رحمت‌الله‌علیه به ادامه فرماندهی عملیات‌های والفجر منصوب شد. در هر صورت، هاشمی رفسنجانی با دریافت این حکم، افزون‌بر تشکیل قرارگاه خاتم‌الانبیاء، نظریه «جنگ جنگ تا پیروزی» را به‌عنوان راه حل خاتمه جنگ اعلام و تا پایان جنگ به‌دنبال نمود. به‌نظر می‌رسد، او هرآنچه که عملی و اجرایی بود و با واقعیات میدان نبرد، توان پشتیبانی کشور و اوضاع سیاسی بین‌المللی سازگاری داشت، مطرح کرده است و سعی داشته تا از خسارات جنگ جلوگیری نماید.

مقطع دوم فرماندهی هاشمی رفسنجانی مقارن با گسترش جنگ شهرها، جنگ شیمیایی و جنگ نفت‌کش‌ها در خلیج فارس است که حضرت امام رحمت‌الله‌علیه، ایشان را به‌سمت جانشین فرمانده کل قوا با تمام اختیارات منصوب می‌کند. مهم‌ترین نقش هاشمی رفسنجانی در این دوره، تلاش برای خاتمه جنگ است. به‌نظر می‌رسد، انتخاب هاشمی رفسنجانی به‌عنوان جانشین فرمانده کل

قوا در سال ۱۳۶۷ هجری شمسی، اقدامی برای خاتمه جنگ بوده است؛ زیرا، فعالیت‌ها و مذاکرات سیاسی ایشان، در این راستا انجام شد.

در پایان پیشنهاد می‌شود، نهادهای تربیتی جامعه، زمینه را برای انتقال ارزش‌های دفاع مقدس، رشد فرهنگ انقلابی و شخصیت‌سازی از تمامی فرماندهان بزرگ ایران در جنگ تحمیلی فراهم نمایند. تشکیل موزه اختصاصی سرداران و فرماندهان ارشد ایران در این دوران، می‌تواند یکی از راه‌های آشنایی نسل امروزی با وقایع دوران دفاع مقدس باشد.

#### کتابنامه

##### منابع فارسی

- امام خمینی رحمته‌الله‌علیه، روح‌الله (۱۳۷۸). *صحیفه امام* رحمته‌الله‌علیه، تهران: انتشارات عروج.
- احمدی، حمید (۱۳۸۳). *درس تجربه (خاطرات ابوالحسن بنی‌صدر)*، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- اردستانی، حسین (۱۳۷۹). *تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق*، تهران: مرکز اسناد تحقیقات دفاع مقدس.
- بشیری، عباس (۱۳۹۳). *انقلاب در بحران ۴ (کازنامه و خاطرات سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷ اکبر هاشمی رفسنجانی)*، تهران: دفتر نشر معارف انقلاب.
- درودیان، محمد (۱۳۹۱). *سیری در جنگ ایران و عراق*، تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.
- درودیان، محمد (۱۳۹۴). *تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق؛ درآمدی بر یک نظریه*، تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.
- رضایی میرقائد، محسن (۱۳۹۰). *جنگ به روایت فرمانده*، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
- علائی، حسین (۱۳۹۵). *تاریخ تحلیلی جنگ ایران و عراق*، تهران: انتشارات مرزوبوم.

##### منابع انگلیسی

- Razoux, P. (2015). *The Iran- Iraq War*, Trans, N. Elliott, USA: Harvard University Press.

##### اسناد

- اسناد اطلاعاتی دفاع مقدس، سند شماره ۰۱۴۶، کد s-1985، آرشیو موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.
- اسناد اطلاعاتی دفاع مقدس، سند شماره ۰۳۳۷۴۶، کد s-1985، آرشیو موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.
- اسناد اطلاعاتی دفاع مقدس، سند شماره ۰۵۶۶۵۱، کد s-1985، آرشیو موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.

اسناد اطلاعاتی دفاع مقدس، سند شماره ۲۸۳۰۸۸، کد s-1985، آرشیو موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.

اسناد اطلاعاتی دفاع مقدس، سند شماره ۳۴۰۸۰، کد s-1985، آرشیو موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.

اسناد اطلاعاتی دفاع مقدس، سند شماره ۳۴۴۷۶، کد s-1985، آرشیو موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.

اسناد اطلاعاتی دفاع مقدس، سند شماره ۳۴۷۳۳، کد s-1985، آرشیو موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.

اسناد اطلاعاتی دفاع مقدس، سند شماره ۴۰۱۹۶، کد s-1985، آرشیو موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.

اسناد اطلاعاتی دفاع مقدس، سند شماره ۴۰۲۹۶، کد s-1985، آرشیو موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.

اسناد اطلاعاتی دفاع مقدس، سند شماره ۴۰۶۵۷، کد s-1985، آرشیو موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.

اسناد اطلاعاتی دفاع مقدس، سند شماره ۴۹۰۲۰، کد s-1985، آرشیو موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.

اسناد وزارت امور خارجه، سند شماره ۱۸۵۳۴، کد s-1986، آرشیو موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.

اسناد وزارت امور خارجه: سند شماره ۲۳۴۸، کد s-1986، آرشیو موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.

اسناد وزارت امور خارجه، سند شماره ۳۸۶۵، کد s-1986، آرشیو موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.

#### مصاحبه

انصاری، مجید، ۱۳۹۰/۰۸/۲۳، تهران.

بختیاری، مسعود، ۱۳۹۴/۰۲/۱۶، تهران: موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.

توسلی، محمد، ۱۳۹۰/۰۶/۲۹، تهران.



- زهدی، یعقوب، ۱۳۹۶/۰۸/۲۵، تهران: موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.
- غلام‌پور، احمد، ۱۳۹۶/۱۲/۲۴، تهران: موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.
- قربانی، مرتضی، ۹۲/۱۰/۲۳، تهران: موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.
- الله کرم، حسین، ۱۳۹۳/۰۹/۰۹، تهران: موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.
- مراد پیری، هادی، ۱۳۹۴/۰۲/۱۶، تهران: موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.
- معین وزیری، نصرت‌الله، ۱۳۹۶/۱۲/۲۴، تهران: موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.
- مفید، عبدالحسین، ۱۳۹۴/۰۲/۱۶، تهران: موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.
- موسوی قویدل، سید علی‌اکبر، ۹۴/۰۳/۰۳، تهران: موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.
- نبوی، بهزاد، ۱۳۹۶/۹/۶، تهران: جماران.

#### نشریات

روزنامه کیهان (سال‌های ۱۳۵۹-۱۳۵۸).

روزنامه جمهوری اسلامی (سال‌های ۱۳۵۹-۱۳۵۸).

